

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس یکشنبه ۲۹ فروردین ۱۳۱۶ #

فهرست مطالب

- ۱) تصویب صورت مجلس
 ۲) تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه
 ۳) شور و تصویب لایحه اعطای اختیار یکمسیون قوانین عدلیه
- ۴) شور دوم خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به مقررات یمه
 ۵) تصویب یک فقره مرئوس
 ۶) موع و دستور جلسه بعد - ششم جلسه

(مجلس يك ساعت و چهل دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای بیات (نایب رئیس) تشکیل گردید)

صورت مجلس شنبه ۲۹ فروردین را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند ##

و یکی هم راجع به مجازات کاتبیکه از ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی تغلف میکنند.

[۳ - شور و تصویب لایحه اعطای اختیار یکمسیون قوانین عدلیه]

مجلس شورای

نظر بانکه مقتضی است بعضی از لوازم بیستنهادی وزارت عدلیه قبل از اینکه در مجلس شورای ملی طرح و تصویب گردد مطابق سوابق موجوده در کمیسیون قوانین عدلیه مطرح وبعد از تصویب کمیسیون به موقع اجرا و آزمایش گذاشته شود

[۱ - تصویب صورت مجلس]

لایب رئیس - آقای جلالی

جلالی - بنده راجع به غالب بودن عربیه عرض کرده بودم و بموجب تصدیق آقای دکتر نیرومند تقاضای مرخصی نموده بودم و حالا این جا بی اجازه نوشته اند

لایب رئیس - اصلاح خواهد شد. در صورت مجلس نظری نیست ؟ (گفته شد - خیر) صورت مجلس تصویب شد [۳ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای وزیر عدلیه] وزیر عدلیه - دو فقره لایحه است تقدیم میکنم یکی راجع به تجدید اختیار کمیسیون عدلیه با قید دو فوریت

عین مذاکرات مشروح بود و همین جلسه از دوره دهم تقنینیه (مجلس شانزدهم آذرماه ۱۳۱۰)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آذغان ، فلاحتی ، ملک ، مؤید قوامی ، شیرازی ، ترا - سلطان - دکتر ادم - اعظم زنگ - قرونی
 علوی سبزواری - جلالی - قاضی - بزدهی - دکتر فرزانج - دبیر سهرابی - ناسری - دهستانی - هدایت - مراد ابراهیمی دیگری
 در آمدگان بی اجازه - آذغان ، کاشف - نیک پور - دکتر سیمی - همراز - بیات ماکو

موافقت نمودند قیام فرمایند (اکثر قیام بودند) تصویب شد
[۳ - شور دوم خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع
مقررات پیمه]

لایحه رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع به
مقررات پیمه برای شور دوم مطرح است .

خبر از کمیسیون قوانین عدلیه به مجلس شورای ملی .
کمیسیون قوانین عدلیه لایحه شماره ۳۹۰۹۳ دولت
راجع به مقررات پیمه درباری شوردهائی با حضور آقای وزیر عدلیه
تحت شور و مذاقه فراراده . با مطالعه به پیشنهاد آقایان
نایندگان و طرح و تعدیل مواد و بالتجیه غیر شور
اول با اصلاحاتی صحیح و اینک مواد ذیل را بعنوان غیر
شور دوم به مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید :

لایحه رئیس - چون لایحه طبع و توزیع شده محتاج
به قرائت نیست . ماده اول قرائت میشود .

معاملات پیمه

ماده اول - پیمه عقدی است که بموجب آن بکطرف
نمهد بکنند در ازاه برداختن وجه یا زوجی از طرف دیگر
در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران
نموده یا وجه معینی بپردازد .

متعهد را پیمه گر طرف تمهد را پیمه گذار و وجهی را که
پیمه گذار به پیمه گر بپردازد حق پیمه و آنچه را که بکس
پیمه میشود موضوع پیمه نامند .

لایحه رئیس - آقای چشپندی

چشپندی - این ماده اول تعریف پیمه است تعریف
باید جامع و مانع باشد . این جا بگوید (پیمه عقدی است
که بموجب آن بکطرف نمهد میکند که در ازاه برداخت
وجه یا زوجی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز
حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینی
بپردازد) بنده میخواهم بدانم آیا طرف دیگر در مقابل
این جبران خسارتی که پیمه گر میکند نمهدی ندارد یا دارد ؟
لو هم باید نمهد میکند باینکه اقساط خود را بپردازد یا
مطابق مقررات رفتار کند و این قبیل تعریف از بکطرف

ماده واحد - وزیر عدلیه مجاز است لوائح قانونی
را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب
کمیسیون فعلی قوانین عدلیه به موقع اجرا گذارده و پس از
آزمایش آنها در عمل نواحی را که ضمن جریان ممکن است
معارض شود رفع و قوانین مزبور را تکمیل نموده . نسبتاً
برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند لوائح
مزبور در کمیسیون مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع
خواهد شد تا نایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه
در ظرف هشت روز از تاریخ توزیع بکمیسیون بدهند و
شور دوم بعد از انقضای هشت روز بعمل آید .

لایحه رئیس - نسبت به صورت مذاکره است (اظهار
شد - مخالفی نیست) رأی گرفته میشود بقررت اول آقایان
که موافقت نمودند قیام فرمایند (اغلب قیام بودند) تصویب
شد . نسبت به صورت ثانی هم مخالفی نیست ؟ (گفته شد - غیر)
رأی دیگری بقررت ثانی آقایان که موافقت نمودند اظهار
موافقت فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد ماده
واحد قرائت میشود :

ماده واحد - وزیر عدلیه مجاز است لوائح قانونی را
که به مجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب
کمیسیون فعلی قوانین عدلیه به موقع اجرا گذارده و پس از
آزمایش آنها در عمل نواحی را که ضمن جریان ممکن است
معارض شود رفع و قوانین مزبور را تکمیل نموده نسبتاً برای
تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند لوائح مزبور
در کمیسیون مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد
شد تا نایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه در
ظرف هشت روز از تاریخ توزیع بکمیسیون بدهند و شور
دوم بعد از انقضای هشت روز بعمل آید .
لایحه رئیس - رأی دیگریم بماده واحد لگابانی بکس

ند است در حالتیکه بمقیده بنده باید از هر دو طرف
تعریف شود .

بشیر کمیسیون عدلیه (آقای نبات) - عرض کنم
کلمه عقد که اینجا ذکر شده چون عقد طرفینی است وقتی
گفتیم پیمه عقدی است البته هم طرف ایجاب دارد و هم
طرف قبول و بالاخره بک قرارداد هائی هم دارد که بموجب
آن نهدات پیمه گذار هم در مواد آنه معین میشود

لایحه رئیس - آقای عرفانی

عرفانی - بطوری که آقای بشیر جواب فرمودند تصور
میکند که جوابشان مفتح نبود پیمه عقدی است البته عقد
در طرف دارد ایجاب و قبول ولی در تعریف عقد را بک
طرف قرار داده اند چرا ؟ چون میباید پیمه عقدیست
که بموجب آن عقد بکطرف نمهد میکند بنا بر این اشکال
آقای چشپندی وارد است تعریف باید هم مانع باشد هم
جامع این جا که آقای بشیر جواب دادند عهد و موطن دارد
البته عقد در طرف دارد ولی در این جا بکطرف را
بواسطه این عبارت از بین برده است . پیمه عقدی است
که بکطرف این عهد را میکند این را نمیشود عقد گفت

لایحه رئیس - آقای وزیر عدلیه

وزیر عدلیه - بل بنده هم موافق هستم .

لایحه رئیس - رأی دیگریم بماده اول با اصلاح پیشنهادی
آقای اعتماد زاده که آقای وزیر عدلیه و بشیر کمیسیون هم
قبول نمودند آقایان موافقت قیام فرمایند (اکثر قیام
نمودند) تصویب شد . ماده دوم قرائت میشود .

ماده دوم - عقد پیمه و شرایط آن باید بموجب سند
کتبی باشد و سند مزبور موسوم به پیمه نامه خواهد بود

لایحه رئیس - نسبت بماده دوم مخالفی نیست (گفته
شد - خیر) رأی دیگریم بماده دوم آقایانیکه موافقت قیام
فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده سوم قرائت
میشود .

ماده ۳ - در پیمه نامه باید امور ذیل بطور صریح
قید شود

- ۱ - تاریخ انعقاد قرارداد
- ۲ - اسم پیمه گر و پیمه گذار
- ۳ - موضوع پیمه
- ۴ - حادثه یا خطری که عقد پیمه به بناسبت آن بعمل
آید است .
- ۵ - ابتداء و ایتحای پیمه

یکبار خود تومن عود و سایر میادوم و اضافه و بایستی صاحب مال پس بدیم فقط یک موضوع است که الحاق بیمه را می میراند از این هم در مواد آیه تکلیف معین شده است بنابر این اشکالی نسبت باین ماده نیست

لایح ردیسی - آقای طهرانچی

طهرانچی - بنده عرض این بود که طلبکار وقتی مال را بیمه گذاشت به منظور که آقای عرفانی فرمودند این مالزوم نیست که تمام ارزش مال را بیاورد قیمت بگذارد و بیمه بدعهد البته اگر بفشارد طلب خودش گذاشت اشکالی نیست و اگر زبافتد گذاشت باید با پانصداه طلب خودش بر دارد و مازاد آن را صاحب مال بدهد اما در این باره بنده تصور میکنم که این ماده عادلانه نیست مگر این که شرط باشد که صاحب مال هم حق بیمه را بدهد اگر نتواند که حق بیمه را طلبکار بدهد و وصولی اضافه از طلب خودش را صاحب مال بدهد بدون اینکه صاحب مال حق بیمه را داده باشد این عادلانه نیست (مخبر - اینطور نیست همه چیز که اینجا نیست) بسیار خوب این اختیار اینجا براده شده است ولی بعد میگوید بدهد! اینصورت هرگاه حادثه نسبت به مال زبور و خود خسارانی که بیمه کرد باید بپردازد تا میزان آنچه را که بیمه گذار در تاریخ وقوع حادثه طلبکار است شخص او را بیمه صاحب مال تلقی خواهد کرد - در حال عرض هم با استقلال میتوان این کار را بکنند البته حق هم هست اما وقتی میگوید هرگاه خسارانی رخ دهد از خسارانی که بیمه کرد باید بپردازد تا میزان آنچه را که بیمه گذار در تاریخ وقوع حادثه طلبکار است شخص او را بیمه صاحب مال تلقی خواهد کرد این چه طور میشود آن وجهی که اضافه از طلب اوست چرا باید حق بیمه اش را بدهد حق بیمه را من بدیم ولی وقتی خسارانی وارد آمد بدون اینکه صاحب مال حق بیمه پرداخته باشد مازاد را که حق بیمه اش را من داده ام او ببرد ۱ در اینجا بقیه بدعهد است یا یک اشاره بود که حق بیمه را صاحب مال هم باید بپردازد و الا بدون حق بیمه که نبود.

وزیر عدلیه - يك توضیح مقدمالی بنده این بدیم برای

این مواد حکم کرانی که میشود مقید است زیرا که در صورت مجلس درج میشود و خودش يك مبنی است. در ماده ۳ فرض را در خارج باید بکنیم که تطبیق کند با این یکتک يك مالي را که پیش بنده میآورد وثیقه میگذارند اول این مال را قیمت میکنند معمول است جاهایی که وثیقه میگیرند مثلاً مؤسسه رحمتی خودش يك مقوم دارد وثیقت میکند ولی غالباً بلکه اغلب و عموماً بطور قطع و یقین آن مال را کمتر قیمت میکنند از قیمت حقیقی خودش. يك برلیالی که - غیر اسطاس و قیفاوی سید تومانی می ارزند و تصد تومانی میشود مقوم سید تومانی قیمت میکنند و مطابق نظامنامه و لایحه را میدهد یعنی صد تومانی داده تصد تومانی مال را نقد کرده این صد تومانی را که خودش در اینجا پول داده است این صد تومانی را بیمه میکنند یا آن سید تومانی را که فروش برای مال قیمت تعیین کرده یا آن مال را ۱۹۱ که مال را بیمه میکنند باید به قیمت حقیقی مال باشد نه آن قبضی که مقوم تقویم کرده است مقوم نك قیمت کرده تصد تومانی را سید تومانی قیمت کرده است. در حال این صد تومانی را بیمه میکنند یا این مالی را که واقفاً ارزش تصد تومانی است آن را قیمت میکنند. این کیفیت است که در هر يك از این کیفیات لایحه يك تکلیف میدهد پندار میشود اگر تصد تومانی را بیمه می کنند که بدین است از صد تومانی الی تصد تومانی فرض هفتصد تومانی است آن هفتصد تومانی را حق بیمه اش را صاحب انگشتر میدهد به این آدم که تصد تومانی حق بیمه میدهد ۱ یا خیر تمام حق بیمه را باید بیمه گذار که مال نزد او وثیقه بوده است بدهد. و روزی که انگشتر تلف می شود صد تومانی را باید بگیرد با فرغ یکسال و مازاد او باید بيك کسی برسد که حق بیمه هفتصد تومانی را يك دینار هم نداده است البته نبودند ما بیایم تشبیه و این طور فرض کنیم به قیمت مقوم یعنی قیمت مقوم را بیمه میکنند یعنی سید تومانی باز خودش صد تومانی داده پس فرقی اینجا دویمت تومانی است حق بیمه این حق بیمت تومانی را باز خودش باید بدهد و

آر که مال تلف شد و بیمه گر خسارت سید تومانی را داد آقوت مازاد برسد صاحب حال باینجا چایک اجناسی است نسبت به بیمه گذار بنا بر اصطلاح این مقدمه را باید يك بیای میفرمایند که توضیح شود و روشن شود ما با يك پیشنهادی طرح و تبدیل شود که تکلیف ماهوم باشد بیمه گذار و بیمه گر خصوصاً تکلیف بیمه گذار و صاحب مال حقیقی که بیشتر اختلافات بین آنها است تکلیفشان معلوم شود چون بیمه گر يك مرئی است که هر چه حق بهش دادند در آخر میدهد. و مختصری ما باید در جواب آقای عمر خبر کنم و آن اینست که ایشان میفرمایند که هیچ بیمه گذاری حق ندارد که يك جنسی را اضافه از آنچه که قیمت دارد بیمه بگذارد این خیلی چیز خوبی است ولی اضافه خصوص شده این است که در عمل با حال است با شبیه عمل جطور ۱ باشد يك كتاب خطی دارم این مشرفی است يك امضاء از ملا محمد بلخی صاحب مشرفی پای این کتاب است و این امضاء تصدیق شده است از زمان فوت مولوی تا امروز سلاطین وقت بزبان دنیا يك يك این امضاء را تصدیق کرده اند يك چنین کتابی دارم برای این است که این چند تا امضاء را دارد من میگویم يك ملوین لیره می ارزند از این جا میخوانم حکم بگذار بازار اعتباری فرض این کتاب از نظر کافه و روه فتن قرآن قیاسی است ولی از نقطه نظر این پنج فتن امضاء سید هزار نومان قیمت دارد این جا بیمه گر چکار کند واقفاً هر دم قضیه ندارند او میگوید اینقدر قیمت دارم و من میگویم اینقدر قیمت دارم شاید در بازار عرضه و تقاضا هم همین بهایی که من میگویم بفروش برسد این را من باب مثل عرض کردم بعضی اشياء است در دنیا که قیمت واقعی برای آن پیدا کردیم مثلاً کتانی است قیمت آن نسبتاً است به فتن پول دراهن دنیا همان است يك مشرفی پیدا شود و صد هزار نومان بدهد و يك دینار را بگذرد از نقطه نظر ما صد دینار هم نمی ارزند چون پشت پاکت هم دینوان چسباند. بجز حال حالا این بیان را در مواد خودش که در سیدیم عرض میکنم و فاجایی که

مقدور باشد زیرا و بالا میگویند که مطاب کاملاً روشن شود و از بیان آقای غیرممکن است منظور استفاده میگویند که ایشان میگویند وقتی مال نقرض شد آن بیهمه که باید خسارت را کاملاً به بیهمه گذارد بدهنده بیهمه که مقابل بیهمه گذار است بموجب آن سندی که داده است و آنوقت يك تكلیفی است بین بیهمه گذار و صاحب مال بیان آقای مخبر بنظر بنده این طور بود نه این است که بیهمه که قدری از پول را بدهد به بیهمه گذار و مازاد را هم خودش بدهد صاحب مال منظور آن اگر این طور است که اشکال ندارد ولی اگر مقصود آن این نیست که بیهمه که تمام پول را باید اول بدهد به بیهمه گذار البته این يك توضیحی لازم دارد شاید در يك مراد دیگری تکلیفی همین است ولی فعلاً يك توضیحی لازم است که مطلب روشن و شگفته شود

ولری عدلیه - بنده هم این مذاکرات را مفید میدانم از نظر اینکه بیهمه یک موضوع خیلی جدیدی است پیش ما و برای تفحصیدن ذهن این مذاکرات كلك میگذرد برای تفسیر این قانون و طرز عمل . اما راجع به این ماده ۷ شاید توضیحی که بنده فیلادام بقدری کوتاه بود ولی اگر به آن توجه میفرمودند کافی بود (اورنگ - توجه بنده رسا بود) در توضیحی که آقا فرمودند و مثل که زهد البته يك اشکال هست ولی برای يك حکمی مثل زیاد است اولاً این جا باید يك مطلبی را عرض کنم و آن این است که اشتباهی که برای بعضی از آقایان پیدا شده است منجمده آقای طهرانیه که فرمودند که اگر زیاد تر از میزان طلب بیهمه گذار حق بیهمه مازاد را صاحب مال بدهد این ازین است که ما در ماده قبلم نوشته ایم که بیهمه گذار لازمیست که صاحب مال باشد هر کسی که نمی داند هر کسی که در حفظ يك مالی ضعیف بود فعلاً البته میتوانست آن نفعی که در آن مال دارد برای خودش بیهمه گذارند ممکن است صاحب مال هم باشد طلبکار يك کسی است که يك چیزی را پیش او رهن گذارده اید و از نقطه نظر علاقه که بآن مال از نظر

عرض کنیم . (اورنگ - خبر درست است دل من تار بك است)

لایب رئیس - آقای عراقی .

عراقی - اما این که آقای وزیر عدلیه میفرمایند بیهمه یک تازه است البته بیهمه یک امر تازه ایست و لایحه اینی حالا آمده است و هر اموری که از ابتدا واقع میشود تازه است ولی بعد کرم ازین بیان آشنا میشود و يك امر عادی میشود و فعلاً مذاکرات لازم از این جا میشود برای این که حقوق همه محفوظ باشد . فرمودند که ما نظری نداریم که حقوق بین راهن و مرهمن را این جا ذکر کنیم این جا نسبت به جاهل هم نظری نداریم که تکلیف آنرا این جا مبین کنیم ولی احتیاج پیدا کردیم و ذکر کردیم اگر کسی نوشته چهل کرد باید با او چه معامله کرد و این جا اجبار پیدا کردیم که ذکر کنیم که اگر کسی طلب کرد و مال را زیادتر از قیمت واقف بیهمه کرد آن بعد باطل میشود چون احتیاج پیدا کردیم این قسمت را ذکر کردیم و هر قسمتی را هم که احتیاج پیدا کنیم و مربوط باریهیمه باشد البته باید در این قانون ذکر شود قسمت راهن و مرهمن در اینجا بقصدی بنده طرف احتیاج است و باید در این مورد حقوق بین راهن و مرهمن را مبین کنیم البته آن قسمت که مربوط بهمین حق بیهمه است مثلاً همانطور که آقای طهرانیه فرمودند که آن اضافه که از طلب بیهمه گذار است بیهمه آنرا که باید بدهد بقصدی بنده ذکر این مطلب مناسب است کامل با این لایحه بیهمه دارد و همچنین در آن قسمتی که بنده عرض کردم مثلاً يك مالی است که نهد تومان قیمت دارد و نزد کسی ولیقه است به سیدم تومان آن طلب کار از نقطه نظر حفظ حق خودش مال را به سیدم تومان بیهمه میگذارد حالا آدمیان آن مال از بین رفت آن بیهمه که زیاد از سیدم تومان نخواهد داد و حق صاحب مال ازین میروند در صورتی که اگر صاحب حق اطلاع پیدا میکند البته حق خودش را حفظ مینماید طلبکار که به پیش

از سیدم تومان خودش علاقه ندارد ما در این جا نباید بگذاریم که مال صاحب مال هم از بین برود و اطلاع داشتن او هم ضرری منوجه عقد بیهمه نمیکند ممکن است که از اطلاع داشته باشد شاید در حق اضافه بیهمه هم شرکت کند ولی نیمیادیم چرا شده اسرار دادیم که صاحب مال اطلاع نداشته باشد و بنده تصور نمیکند که این باب امری باشد که با قانون بیهمه و عقد بیهمه مغایرت داشته باشد و يك امر غیر مربوط به قانون بیهمه ما اینجا آورده ایم کاملاً این مطلب مربوط به عقد بیهمه است و تصور میکنم اگر اینجا ذکر شود کاملاً مورد خواهد بود .

مخبر - این اشکال را که آقای عراقی فرمودند برای این است که بنده در عرایض رعایت اختصار را میکنم برای اینکه محرمین هم زیاد بجزت بقیقتند و این نکته را بنده عرض کردم که کسی که مالیش او رهن است مسئولیتی ندارد و اگر نهدی و تقریباً نکرده باشد و مال هم تلف شد در مقابل صاحب مال مسئولیتی ندارد اگر اثبات نهدی و تقریب شد مسئولیتی هست و اگر اثبات نهد مسئولیتی ندارد بنا بر این من جنسی را به رهن گرفته ام چه لازم است که بروم بیهمه بگذارم (عراقی - مرهمن ضامن حفظ است) عرض کردم اگر اثبات تقریب و نهدی نهد دیگر ضمان ندارد و اگر اثبات نهدی و تقریب برای من کردید من مسئول . و اگر نهدی و تقریب کردم که در مقابل بیهمه که هم کلاه من نهد است چون آن جا هم می توانم حقی بگیرم ، چون در آنجا هم مسئول حفظ هستم در مال بموجب مواد آینده همین قانون پس همان حقوقی که در مقابل صاحب مال دارم در مقابل بیهمه که هم دارم و نباید بی احتیاطی کنم ، حتی اگر صاحب مال یا کسایش بیاید باز هم بیهمه که چیزی نخواهد پرداخت چون نهدی و تقریب شده این مطالب این اصل در جای خودش محفوظ است من اگر نمیدانم صاحب مال و مسئولیت دارم که در ماده ششم ذکر شد که کسی که بیهمه میگذارد ممکن است اصل

باشد یا یکی از غنایین قانونی نمایانگی صاحب مال باشد شخص فایده را داشته یا مسئولیت حفظ آنرا داشته باشد چون من مسئولیت حفظ دارم در مقابل صاحب مال بنابر این مسئول ماده شش ختم و مینوانم بیهه بگذارم این ماده هفت هم همینطور میگوید بطوری که آقای وزیر عدلیه هم فرمودند که وقتی رهن نگذاشتند مالی را دیگر من سوء استفاده نکنم و ازشانه از طلب بک چیزی را نکیرم زیرا که من طلب کار هستم و بنایستی هم استفاده کنم و حق خودم برسم امانه مزاد بر آن چه که حق دارم اگر مزاد کرتیم در صورتیکه مال بیشتر می ارزید این تعاقب میگیرد صاحب مال اءاراجع باسقاط آنچهام قید کردم که در تاریخ وقوع عادی حساب من نکنند هر قدر طلبکار طلب دارد که بریزد ارض باید میدهند و آخرین اقساط را حساب میکنند اگر کمتر گرفته که اختلاف حساسی با صاحب مال ندارد اگر بیشتر گرفته که اقساط طلب را حساب میکنند و میدهند طلبکار و مزادش را صاحب مال رد میکنند بنابر این اشکالی ندارد نشدیه .

لایح رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - راجع باین ماده هفتم سه اشکال کردند آقایان . یکی اینکه طلبکار ممکن است مال را بیکتر از قیمت واقعی خودش بیاید و بیهه بدهد و بعد از آنکه حادته واقع شد و مال از بین رفت اوگ حق خودش را استیفاء من کند و در نتیجه صاحب مال متضرر میشود بقدر تفاوتی که بین مبلغ اصلی و آنچه که آن شخص داده است و بک اشکال هم آقای طهر الجبی کردند که چه مناسبت این حق بیهه را که بایاید صاحب مال بدهد طلبکار اینجا مکلف باشد بدهد یا اشکالی هم آقای اورنگ فرمودند در خصوص تقدیر مال بنده آنچه که فهمیدم این است که اشکال آقای عراقی اگر ماده بعدی نبود وارد بود ولی در ماده دیگر این اشکال و فو قه نظر ایشان نامین شده و دیگر نگرانی نباید داشته باشد برای اینکه در ماده هم می رود که اگر کسی طلب را بدهد کمتر از قیمت واقعی بیهه کرد ممکن است نسبت به بقیه و مایه التفاتت مجدداً آن مال

بیهه شود یعنی ممکن است کسی مالی را که فرسأزار بر همان قیمت دارد نزد چهار بیهمکر سه بیهه کر این را بیهه بگذارد با این ترتیب بنده تصور میکنم دیگر اطلاع صاحب مال از مزاد نیست زیرا آن کسی که طلبکار است بالاخره این مال را بفراغدار طلب خودش بیهه داده است بنابرین حق خودش را حفظ کرده است و هر موقعی که صاحب مال مطلع شد که مال از بیهه رفت و اوقیش بیهه نیست و ممکن است خسارتی بار وارد شود مطابق ماده نهم می رود و نسبت ببقیه قیمت واقعی مالش را بیهه می گذارد و ماده نهم که بعداً ذکر میشود می نویسد: «در صورتیکه مالی به کمتر از قیمت بیهه شده باشد نسبت ببقیه قیمت می توان آن را بیهه نمود» پس این می رود نسبت به بقیه این مال مجدداً بایزاد همان بیهه کر بیا بیهه بیهه میکنند و از خسارت مال خودش جلوگیری میکنند . اما آن اشکالی که آقای طهر الجبی فرمودند چون اصولاً هر کسی را بیهه اقدامی میکنند برای حفظ حقوق و استیفاء حقوق خودش است طلب کار اگر می خواهد حق بیهه زیاد بدهد می تواند نسبت بآن میزان طلبی که دارد مال را بیهه بگذارد و نسبت به بقیه هم همان طور که عرض کردم صاحب مال می تواند نسبت باضافه قیمتش که مال دارد برود و بیهه بگذارد پس اشکالی ندارد که همان تفاوت بیهه را خود صاحب مال بپردازد . اما اشکال آقای اورنگ که فرمودند مال چطور نوزوم میشود در موقعی که بیهه نگذاشته میشود اولاً طلبکار بیهه را وزیر عدلیه فرمودند در بیهه بک اصل کلی است که مال اضافه بر قیمت واقعی تقویم نمیشود و اگر معلوم شد که اضافه تقویم شده در این جا بک اشکالی برایش معین شده است . حال اگر آمدند وقتش در موقع تقدیر اءاد گذاشتند چون اصولاً موقعی که جبران خسارت میشود فقط بیزان خسارت وارد است یعنی وقتی خسارتی وارد شد در اثر بک حادته و می خوانند بیزان خسارت را حساب و معین کنند البته مال خیره رجوع می کنند و بک قواعدی دارد حالا اگر با بگردد این خیره اشتباه می کنند این هم بر حسب بک اشکال بود و سرورانی است که قانون ذکر کرده اگر هم اهل خیره

اشتباه کردند این تفتیشیه برای جبران بک خسارت نظاری است و بیا هر دو هم قطع و فصل میشود در کمیسیون هم همینطور محلن کرد شد و بنظر بنده این اشکالات وارد نیست (عده از اءاد اینها بکنان - عدا کرات کافی است)

لایح رئیس - رای میگیرم بیهه هفتت آقایانی که موافقت اظهار موافقت میفرمایند (ا کثر قیام کردند) تصویب شد ماده هفتم:

ماده ۸ - در صورتیکه مالی بیهه شده باشد در حدلی که بیهه باقی است می توان همان مال را بنفع همان شخص و از همان خطر مجدداً بیهه نمود.

لایح رئیس - آقای کاشف

کاشف - عرض کنم که بنده اصولاً اشکالی نمی بینم زیرا سابقاً بک پیشنهاده داده بودم ولی اگر توشیحی داده بشود برای تأمین نظری که آقایان در ماده قبل داشتند خوب است و حل میکنند مطلب را . برای اینکه در صورتیکه بک مالی که رهن است بیک مبلغی که بیهه داده میشود کتر از مبلغ حقیقی است و البته رهن می تواند نسبت به بقیه قیمت مال محاسطور که گفته شد مجدداً بیهه کند و چون ممکن است که این سوء تقاضی پیش بیاید سوء تعبیری بشود باین معنی که اگر رهن خواست تفاوت مابین قیمتش که هرگز بیهه نگردد است با قیمت حقیقی آن را مجدداً به بیهه بگذارد اعم از اینکه نزد همان کفالتی یا کفالتی بیهه کر دیگر باشد ممکن است اگر این چاقوشیحی شده باشد باستناد همین ماده بیهه کر اظهار کند که چون این بک مال است و از بک خطر است و از بک کسی است ولو اینکه مال مال دیگری است و شخصش شخص دیگری است من این کار را نمیکند این عمل را نمیکند و مندرج است منظور بنده این است که آقا توضیح بدهند که اگر تفاوت این مبلغ را یا هر بیهه دیگری که واجد این شرایط بود ولی شخص او شخص دیگری بود اگر بقیه قیمت واقعی همان مال را خواست برای قسمت بیهه نسبت بیهه بیهان خسارت و خطریا خطر دیگری بخواهد بیهه کند (صورت میبکتم هیچ مایه

توضیح دادند است و صحیح هم هست) بنواند بیهه بدهد البته این اشکالی ندارد و هم منظور هم هست ولی سوء تقاضی میشود که بیهه کر بگوید چون واجد این شرایط نیستند و بکمال است من بیهه نمیکند این قسمت اگر حل شود یعنی توشیحی داده شود تصور میکنم نظر آقایان هم نسبت بآن ماده هفتم تأمین شده است البته وقتی که رهن مطلع شد مال او بک قسمت بیهه شده است می تواند بابت بقیه قسمت هم بیهه بکند (صحیح است)

ولیر عدلیه - بنده خیال میکنم که عبارت خیلی واضح است و آقای کاشف هم احتیاط شان زیاد بوده است که این توضیح را خواستند از بنده ا چون ما وقتیم در ماده که بنفع همان شخص و از همان خطر همان شخص مواروم است و با آن توشیحی هم که قبلاً داده بودم که لازم نیست بیهه کلان حتماً صاحب مال باشد بلکه هر کسی هر نفس نسبت بهر مالی دارد می تواند بنفع خودش این مال را بیهه بگذارد پس این بدیهی و واضح است که طلبکار نسبت بطلب خودش و صاحب مال نسبت باصل مال و هر کسی دیگری که هر علاوه بر غرضی که نسبت بنالی دارد می تواند بیهه بگذارد و این جواب بیانات سابق آقای عراقی را هم میدهد و اشکالی ندارد.

لایح رئیس - رای میگیرم بیهه هفتمت آقایان بک موافقت اظهار موافقت میفرمایند (ا کثر قیام نمودند) تصویب شد ماده نهم:

ماده نهم - در صورتیکه مالی بیکتر از قیمت بیهه شده باشد نسبت ببقیه قیمت می توان آنرا بیهه نمود در این صورت هر بک از بیهه کران نسبت بمبلغی از مال که بیهه کرده است مشمول خواهد بود.

لایح رئیس - نظری نیست (اظهاری نند) رای میگیرم بیهه نهم آقایانی که موافقت اظهار موافقت میفرمایند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد ماده دهم:

ماده دهم - در صورتیکه مالی کتر از قیمت واقعی بیهه

شده باشد بیمه کما قسط به تناسب مبلغی که بیمه کرده است باقیمت واقعی مال مسئول خسارت خواهد بود.

لایحه رئیس - آقای دکتر طاهری فرمایشی داشتید؟
دکتر طاهری - عبارت این ماده درست مفهوم نمیشود شاید اشتباهی داشته باشد باید توضیح داده شود؛ میگوید:
 «در صورتی که مالی بکسر از قیمت واقعی بیمه شده باشد بیمه کما قسط به تناسب مبلغی که بیمه کرده است باقیمت واقعی مال مسئول خسارت خواهد بود» معانیش را بنده نفهمیدم خوبست توضیحی آتی مختصر با آقای وزیر بدهند.

مخبر - بایک مثالی قضیه روشن میشود؛ فرض بفرمایید اتومبیلی را بیمه کرده مبلغ پنجاه هزار ریال در حالتی که اتومبیل صد هزار ریال قیمت دارد یعنی معادل نصف قیمت واقعی بیمه شده حال اگر خسارتی ایجاد میشود که بایستی آن بیمه کما قسط بردارد خسارت را می بینند و معین می کنند حساب می کنند که خسارت بیست هزار ریال است خوب در صد هزار ریال اصل قیمت مال باید بیست هزار ریال بدهد اما در پنجاه هزار ریال چندتر و یک تناسب ساده قضیه را حل میکند بدیهی است باید نصف آن مبلغ را بدهد یعنی ده هزار ریال پس خسارت هم متناسب با همین مبلغی است که به بیمه گذارده شده البته اگر جنس کرائتر بیمه گذارده شده بود خسارت را بیشتر میکرد ولی چون تمام قیمت را تقویم نکردند و بیمه نگذاشتند البته اگر تمام قیمت بود او حق بیمه را بیشتر می گرفت و تمام خسارات را هم بپردازد ولی حالا که

نصف مبلغ را تقویم کرده اند و بکسر گذاشته اند خسارت متناسب با اصل قیمت است اما آنچه بنده میپرودازم باید به نسبت اصلی تقویم بردارم پس خسارت با اصل قیمت یک نسبت معینی دارد و مبلغ تعهد من باقیمتی که بیمه کما قسط خسارت میدهد یک نسبت دیگری (صحیح است)

لایحه رئیس - موافقت با ماده دوم اظهار موافقت میفرمایند؟ (اکثر برخاستند) تصویب شد. چنانچه آقایان موافقت می فرمایند بقیه شور بمانند برای جلسه آتی (صحیح است)

[۵ - تصویب يك فقره مرخصی]

لایحه رئیس - يك فقره غیر مرخصی رسیده است قرائت می شود:

آقای مسعودی نماینده طهران بواسطه لزوم مسافرت به خوزستان تقاضای مرخصی بیست و شش روز از تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۱۵ نموده اند کمیسیون عرضی موافقت نموده اینک خبر آن تقدیم میشود.

لایحه رئیس - مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) رأی میگیریم بمقتضای این خبر آقایانکه موافقت دارند اظهار موافقت کنند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

[۶ - مواقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

لایحه رئیس - چنانچه اجازه میفرمایند جلسه آتی پنجشنبه ۵ اردیبهشت سه ساعت قبل از ظهر دستور لایحه موجوده (صحیح است)

(مجلس بیست دقیقه قبل از ظهر ختم شد)

نایب رئیس مجلس شورای ملی - مرتضی بیات

قانون

اجازه اجرای ارایح قانونی پیشنهادی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون فرابین عدلیه

ماده واحده - وزیر عدلیه مجاز است ارایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون فعل فرابین عدلیه بوضع اجرا گذارد و پس از آزمایش آنها در عمل نواقسی را که ضمن جریات ممکن است معلوم شود رفع و فرابین مزبور را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید ارایح مزبور در کمیسیون مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد شد تا نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه در ظرف هشت روز از تاریخ توزیع به کمیسیون بدهند و شور دوم بعد از انقضای هشت روز بعمل آید. این قانون که مشتمل بر یک ماده است در جلسه بیست و نهم فروردین یک هزار و سیصد و شانزده تصویب و مجلس شورای ملی رسید.